

آنها را در نگارش شرح حال فرزانه توس مطمح نظر نداشته‌اند و بنیاد کار خویش را بر افسانه‌های گذشتگان پی افکنده‌اند. دیگر این که در چند مورد بدون رویکرد به عبارت مشهور: *الْفَضْلُ لِمَلْتَقَدِّم*، اشاره به پژوهش‌های پیشتر از کار ایشان در باب بعضی موضوعات را فراموش کرده‌اند از جمله: در (ص ۲۲۳) مسأله مربوط به جام جم و اسطراب و وارونه نویسی صور فلکی، نخست بار به وسیله دکتر سرفراز غزنی در هزاره شاهنامه مطرح و بررسی گردیده^{۱۰} که بخشی از عبارات ایشان بعینه باز گفته شده است. در (ص ۳۸۷-۳۹۴) طی بحثی فردوسی را جدا از فرقه اسماعیلیه دانسته‌اند. حال آن که شادروان استاد زریاب خوبی در مقاله «نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه»^{۱۱} آن هم بر اساس چاپ معتبر خالقی مطلق، جهان بینی فردوسی را (اسماعیلی) تشخیص داده‌اند که یاد کرد از این تحقیق و بررسی نتایج آن به منظور اثبات نظریه خویش از ضرورت‌های چاپ بعدی کتاب است، در (ص ۴۶۵-۵۱۸) بررسی مستدل و در خوری درباره الحاقی بودن چهار بیت ستایش خلفای راشدین در دیباجة شاهنامه انجام داده‌اند ولی از پژوهش و دلایل دکتر خالقی مطلق که بر کتاب ایشان، تقدّم زمانی دارد^{۱۲} سخنی نرانده‌اند و فقط به ذکر برافزوده شمرده شدن آنها در تصحیح خالقی بسنده کرده‌اند، هم چنین در مواردی در قرائت درست بعضی از واژگان و بیت‌های شاهنامه سهوهای دیده می‌شود که برای پرهیز از درازی سخن از ذکر نمونه‌ها خودداری می‌شود.

یادداشت‌ها:

- ۱- مجموعه شاهنامه‌شناسی، انتشارات بنیاد شاهنامه، تهران، شهریور ۱۳۵۷
- ۲- شاهنامه چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، دفتر نشر داد، چاپ دوم، بی تا.

۳- امید سالار، محمود، در دفاع از فردوسی، ایران‌شناسی، سال ۷، شماره ۲، تابستان ۷۴، ص ۴۳۶-۴۵۷ و همان در: نامه فرهنگستان، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۷۶، ص ۱۲۰-۱۴۰ / خالقی مطلق، جلال، دو نامه درباره بدیهه سرایی شفاهی و شاهنامه، ایران‌شناسی، سال ۹، شماره ۱، بهار ۷۶، ص ۲۸-۵۰

۴- خالقی مطلق، جلال، اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه، ایران‌شناسی، سال ۷، شماره ۴، زمستان ۷۴، ص ۷۳۹

۵- شاهنامه فردوسی، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، انتشارات روزبهان، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۰، بیت ۹۶

۶- قدمهای نخستین در کار پژوهش شاهنامه، فردوسی و ادبیات حماسی، تهران ۱۳۵۵

۷- رک: خالقی مطلق، جلال، معرفی قطعات الحاقی شاهنامه، گل رنجهای کهن، به کوشش علی دهباشی، نشر مرکز ۱۳۷۲، ص ۱۳۳

۸- دفتر دوم شاهنامه دکتر خالقی و: پرهام، باقر، با نگاه فردوسی، نشر مرکز ۱۳۷۳، ص ۲۶-۲۹

۹- نقل به معنا از منبع یادداشت شماره (۷)، ص ۱۲۹

۱۰- غزنی، سرفراز، دانش ستاره‌شناسی و نجوم فردوسی، نمریم از این پس که من زنده‌ام، دکتر غلامرضا ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۴، ص ۵۴۵-۵۵۰

۱۱- تن پهلوان و روان خردمند، به کوشش شاهرخ مسکوب، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۴، ص ۱۷-۲۹

۱۲- خالقی مطلق، جلال، معرفی قطعات الحاقی شاهنامه، ایران نامه، ۱۳۶۳، ص ۲۶-۵۳ و گل رنجهای کهن، همان، ص ۱۳۰-۱۳۲

حکیم رُکنا

حکیم رُکنا

شرح احوال و بررسی آثار حکیم رُکنا

به کوشش و تحقیق امیر علی آذر طلعت

انتشارات سروش، چاپ اول: ۱۳۷۸

مسعود رکن‌الدین معروف به حکیم رُکنا و متخلص به مسیح، اهل کاشان و از سخن سرایان برجسته عهد صفوی و ملک الشعراء دربار شاه عباس اول بود و علاوه بر قریحه شاعری طبیعی حاذق و خوشنویسی ماهر بوده است. غالب تذکره نویسانی که شرح حال وی را نوشته‌اند او را به فضل و دانش و تسلط کامل در شعر ستوده‌اند، از جمله فخر الزمّانی در «تذکره میخانه» می‌نویسد: «حکیمی است تمام عیار و سخنوری بلند وقار، اشعار دلپذیرش به غایت رنگین است و اصناف سخنانش مالا مال معرفت. آن قدر دانش و فضیلت دارد که شاعری دون مرتبه اوست... نادره عصر و یگانه عهد خود است» (ص ۴۶)

حکیم با وجود این همه فضل و حکمتی که داشت غالباً در فقر و تنگدستی به سر می‌برد، از این جهت در غالب اشعارش از فلک و زمانه گله کرده است:

کرچه لقمان شدم چه شد که به دهر

فلکم لقمه‌ای نداد همی (ص ۲۲۴)
این شکوه و گلایه‌ها تا حدودی از اینجاست که حکیم رُکنا حد و مقام خود را بیش از واقع ارزیابی می‌کند تا آنجا که می‌گوید:

روح خاقانی اگر باز مدد فرماید

خاک کاشان همگی سرمه شروان گردد (ص ۷۰)
جای تعجب است دیوان شاعری که ملک الشعراء عصر خود بود تاکنون به صورت درخوری مذنون و چاپ نشده است و در شرح حال زندگی و احوالش هیچ تحقیق شایسته‌ای صورت نگرفته است و «شرح احوال، بررسی آثار و کزیده اشعار مسیح کاشانی» اولین تحقیق جدی در این زمینه است که به کوشش امیرعلی آذر طلعت صورت گرفته است.

آذر طلعت در مقدمه‌ای تود صفحه‌ای به زندگی، ممدوحان، معیشت، خوی، مذهب، معاصران، آثار، شیوه سخنوری، موضوعات شعری، آرایه‌ها و ترکیبات و بسیاری موضوعات دیگر مربوط به مسیح کاشانی و دیوانش می‌پردازد و در آخر گزیده اشعار وی را که شامل گزیده قصائد، غزلیات، مثنوی‌ها، ترکیب و ترجیع‌بندها و قطعه و رباعیات می‌شود در آخر کتاب آورده است. آذر طلعت می‌گوید: نگارنده سال‌ها پیش بر آن شد تا با تهیه عکس نسخ دیوان حکیم مسیح کاشانی به تصحیح آن بپردازد و این کار تا اندازه‌ای جامه عمل پوشید، اما به صلاحدید بعضی از ارباب فضل بر آن شدم که قبل از نشر کامل دیوان، گزیده‌ای از اشعار مسیح را عرضه کنم. (ص ۹)